



## بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم - 16 / بهمن / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيما بقیة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز؛ فضای مجلس ما و حسینیه‌ی ما را با معنویت خودتان، با اخلاص خودتان معطر و منور کردید؛ بخصوص عزیزانی که از راه‌های دور تشریف آورده‌اند، از شهرهای دوردست تشریف آورده‌اند. از سرودی که این نوجوان‌های عزیز هم خواندند - که خیلی خوب بود، هنرمندانه تنظیم کرده بودند - تشکر میکنیم؛ قاری محترم هم همین جور، تلاوت زیبایی کردند.

برادران عزیز، خواهران عزیز! ایام دهه‌ی فجر برای کشور ما یک دوره‌ی بی‌نظیر و بی‌بدیل محسوب میشود. دهه‌ی فجر مظهر اقتدار ملی و مظهر عزم ملی است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه در این دهه‌ی فجر بود که ملت ایران با حضور خودشان، با عزم راسخ خودشان توانستند یک بنای پوسیده و فاسد چند هزار ساله را واژگون کنند. هزاران سال این کشور جوری اداره شده بود که مردم در آن هیچ نقشی نداشتند؛ سلطنت‌ها، قدرتهای مهاجم، قدرتهای بیگانه [حاکم بودند]. حتی در دوران اسلام هم - که اسلام، مظهر رحمت است - رفتار حکامی که از طرف خلفا به ایران می‌آمدند، رفتار سخت و از روی استبداد و مثل پادشاه‌ها، مثل سلاطین معمولی بود. مردم هیچ نقشی در اداره‌ی کشور نداشتند؛ هزاران سال بر کشور ما این جور گذشت. در این دوره‌ی اخیر که دوره‌ی پهلوی [بود] و اندکی قبل از آن، دوره‌ی قاجار، وضع از این هم بالاتر بود؛ [یعنی] نه اینکه مردم نقش نداشتند، لگدمال [هم] میشدند، ثروت کشور به غارت میرفت، به کیسه‌ی بیگانه میرفت؛ فساد سر تا پای اداره‌ی حکومت را گرفته بود؛ این وضعیّت قبل از پیروزی انقلاب بود.

ملت ایران به رهبری امام بزرگوار - که نقش این رهبر هم نقشی است که اصلاً قابل مقایسه‌ی با هیچ رهبری در طول تاریخ طولانی ما نیست و به نظر من در دنیا بی‌نظیر است - و پشت سر این رهبری، اراده کردند، تصمیم گرفتند، از گلوله نترسیدند، از ظاهر قدرتمند رژیم پهلوی نترسیدند، آمدند وسط میدان، [آن] بنا را ویران کردند، بنای مردم‌سالاری را به جای آن گذاشتند و کشور شد مردم‌سالار. مردم‌سالار یعنی چه؟ یعنی از اول، تعیین نظام با رأی مردم؛ تعیین آن کسانی که باید بنشینند قانون اساسی را تنظیم کنند - [یعنی] خبرگان قانون اساسی - با رأی مردم؛ بعد که قانون اساسی تنظیم شد به وسیله‌ی منتخبین مردم، خود آن قانون اساسی باز در معرض رأی مردم؛ قوه‌ی مقننه، قوه‌ی اجرائیه، شوراهای گوناگون، خود رهبری، با رأی مردم؛ خبرگان رهبری را مردم معین میکنند، آنها آن وقت یک رهبری را [انتخاب میکنند]؛ یعنی همه چیز برمیگردد به رأی مردم؛ این [جور] اداره‌ی کشور، معنای حکومت مردمی است. پس این دهه، یک دهه‌ای است که با هیچ برهه‌ی دیگری از ایام سال برای ما قابل مقایسه نیست؛ دهه‌ی فجر مظهر عزم ملی است.

البته نظام اسلامی مردمی است، اما خصوصیتش فقط مردمی بودن نیست؛ نظام ما، نظام ایمانی است، نظام دینی است، مردم‌سالاری اسلامی است. «اسلامی» است که مثل شهید سلیمانی تربیت میکند؛ «اسلامی» است که



خانواده‌ها را در دوران دفاع مقدّس و ادار میکند که جوانهای خودشان، پاره‌های تن خودشان را برای جهاد فی‌سبیل‌الله بفرستند، بعد هم افتخار کنند. در کجای دنیا هست که مادری سه فرزند یا چهار فرزند رشید خودش را داده است و افتخار میکند و از هیچ کس گلایه نمیکند؟ هیچ جا نیست. ما اوضاع و احوال کشورهای دیگر را خوانده‌ایم، شنیده‌ایم؛ آنها هم جنگهایی داشته‌اند، آنها هم کشته‌هایی داشته‌اند، اما اصلاً قابل مقایسه نیست با آنچه در اینجا گذشته است؛ این به خاطر ایمان است.

شما ملاحظه کنید، در همین هفت هشت ماه قبل، اوایل امسال، نشستند در اندیشکده‌های آمریکا راجع به حاج قاسم سلیمانی شما مفصل بحث و بررسی کردند؛ گزارشش را بعد از مدّتهایی به نحو محدودی منتشر کردند که دست ما هم رسید. اینها راجع به حاج قاسم خصوصیات را ذکر میکنند و میگویند این آدم مانع بزرگی در مقابل اهداف آمریکا است. بعد در بین این خصوصیات که از او ذکر میکنند - که حالا میگویند شجاع است، خطرپذیر است، چنین است، چنان است - [میگویند] متعهد است، باایمان است؛ تعهد او یکی از این [خصوصیات است]. این [طور] است دیگر؛ شخصیت‌های ایمانی وقتی که این ایمان را با عمل صالح همراه کنند، وقتی حرکت جهادی بکنند، محصولش میشود شخصیتی مثل این، که قدرتهای بزرگ او را تحسین میکنند، حتی دشمنانش او را تحسین میکنند!

خب، حالا امروز بنده دو مطلب می‌خواهم عرض بکنم. یکی بحث حضور مردمی است که ما دو آزمون در مقابلمان داریم: یکی راه‌پیمایی بیست و دوّم بهمن است؛ یکی هم انتخابات است. یک موضوع هم مسئله‌ی فلسطین که چند جمله‌ای راجع به [آن] می‌خواهم عرض بکنم؛ موضع ما البته روشن است، لکن مؤکداً این مطلب را باز می‌خواهیم دوباره تکرار کنیم.

درباره‌ی راه‌پیمایی بیست و دوّم بهمن، خب ملت ما واقعاً همّت کرده‌اند؛ شوخی نیست که چهل سال در زمستان، هوای سرد، زیر برف، در یخبندان، در شهرهای مختلف کشور - یعنی همه جای کشور - مردم در سالگرد انقلاب بیرون آمدند و حضور خودشان و اجتماع عظیم خودشان را به رخ دشمنها کشیدند. سالگرد جشنهای ملی کشورها را شما نگاه کنید؛ چهار نفر می‌آیند آنجا می‌ایستند، یک عده‌ای هم در مقابل آنها رژه می‌روند. حضور مردمی، آن هم با این عظمت، آن هم چهل سال پی‌درپی، آن هم با این همه تخریبی که دشمنان کرده‌اند و هر سالی به یک جوری خواسته‌اند یک حرفی بزنند که شاید تضعیف کنند [اما] نشده. بنده که حالا واقعاً قابل نیستم که بخواهم از ملت ایران تشکر کنم، اما واقعاً جا دارد که انسان با همه‌ی وجود تشکر کند از ملت عزیز ایران. البته امسال سالگرد بیست و دوّم بهمن مصادف با چهلم شهید عزیز ما هم هست، ایّام چهلم شهید سلیمانی است و مردم انگیزه‌ی مضاعف دارند. و ان‌شاءالله دشمنان ما خودشان خواهند دید حضور عظیم مردمی را در میدانها و در خیابانها؛ ما راجع به آن خیلی صحبتی نداریم، ان‌شاءالله ملت ما با همین حضورشان ضربه‌ی کوبنده‌ای بر سیاستهای دشمن وارد خواهند کرد.

و اما انتخابات؛ برادران عزیز! انتخابات برای کشور ما و ملت ما یک فرصت است، برای دشمنان ما یک تهدید است؛ انتخابات را دست‌کم نباید گرفت. اینکه بعضی‌ها راجع به انتخابات حرف می‌زنند، هر چه دلشان میخواهد میگویند، مردم را دلسرد میکنند، نباید انسان به‌آسانی از این عبور بکند؛ انتخابات برای کشور ما یک فرصت بسیار بزرگی است؛ اولاً انتخابات اگر پُرشور انجام بگیرد و مردم به صورت کامل پای صندوقهای رأی حضور پیدا کنند، این تضمین‌کننده‌ی



امنیت کشور است، امنیت کشور را تضمین میکند؛ چرا؟ برای خاطر اینکه دشمنانی که کشور را، ملت را تهدید میکنند، از پشتوانه‌ی مردمی بیشتر هراس دارند تا امکانات تسلیحاتی ما؛ بله، از موشک ما هم میترسند اما از پشتوانه‌ی مردمی نظام بیشتر میترسند. حضور در انتخابات نشان‌دهنده‌ی پشتوانه‌ی مردمی از نظام است، به همین دلیل موجب امنیت است.

ثانیاً نشان‌دهنده‌ی عزم و اقتدار ملت ایران است. خوب، گرفتاری‌هایی وجود دارد در کشور؛ خود آنها هم میدانند. این تحریم‌های آنها، به اضافه‌ی بعضی از کم‌کاری‌هایی که خود ما داریم، مشکلاتی برای مردم درست کرده، مردم گلایه‌هایی دارند، با وجود این، چون پای انتخابات در میان است، چون پای آبروی نظام در میان است، چون پای امنیت کشور در میان است، مردم می‌آیند وسط میدان؛ این نشان‌دهنده‌ی عزم ملی، اقتدار ملی و بصیرت ملی است؛ این هم مطلب دیگر.

بعد خود انتخابات حل‌کننده‌ی بسیاری از مشکلات بین‌المللی ما است. کسانی که ناظران بین‌المللی هستند، قضاوتشان نسبت به کشورها و برخوردی که باید با این کشورها داشته باشند به این چیزها خیلی وابسته است. ببینند مجلس این کشور - اگر مجلسی دارد - رؤسای این کشور چه جور انتخاب میشوند؟ به وسیله‌ی چه کسانی انتخاب میشوند؟ با چه حجمی از پشتیبانی انتخاب میشوند؟ اینها تأثیر دارد.

علاوه‌ی بر اینها انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی یک فرصتی است برای ورود افکار جدید، راه‌های نو در چرخه‌ی تصمیم‌گذاری کشور، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور. افکار نویی می‌آید، بخصوص اگر چنانچه - ان شاء الله بعد عرض خواهم کرد - آدمهای درست و حسابی را بتوانیم پیدا کنیم و آنها را انتخاب بکنیم، این تأثیر میگذارد و حرفهای جدیدی وارد چرخه‌ی تصمیم‌گیری کشور و تصمیم‌سازی کشور خواهد شد و میتواند برای [حل] مشکلات کشور راه‌های تازه‌ای ارائه کند، چاره‌اندیشی کنند و حرفهای کارشناسانه‌ای بزنند. مسئله‌ی اقتصاد خیلی مهم است که بنده همیشه تکرار کرده‌ام، مسئله‌ی فرهنگ خیلی مهم است، مسئله‌ی تقویت علمی و پیشرفت خیلی مهم است اما اساس همه‌ی اینها مسئله‌ی انتخابات است. انتخاب ما اگر یک انتخاب قوی و درست و عمومی باشد، به نظر من همه‌ی این مشکلات بتدریج حل خواهد شد. این نشان‌دهنده‌ی اهمیت انتخابات است.

بنابراین انتخابات اساسی‌ترین مسئله‌ی کشور است. نباید این مسئله‌ی اساسی را با حاشیه‌سازی و اظهارات گوناگون و حرفهای دلسردکننده و ناامیدکننده از رونق انداخت؛ متأسفانه از این حرفها هست. البته دشمن فعال است، تازگی هم ندارد؛ دشمنان از همان سالهای اول روی انتخابات ما همیشه علامت سؤال می‌گذاشتند. گاهی میگفتند که در این انتخابات تخلف شده، گاهی میگفتند مهندسی شده است؛ خارجی‌ها از این حرفها مکرر میگفتند. خیلی هم تأثیری نداشت، در مردم تأثیری ندارد. مردم به فلان رادیوی خائنی که اجتماعات عظیم میلیونی را میگوید چند هزار نفر اما اگر چنانچه دو بیست نفر آدم در خیابان مشغول شرارت بشوند، میگوید ملت ایران، اطمینان نمیکند، اعتماد نمیکند؛ معلوم است. لکن این مشروط بر این است که از داخل به آنها مایه داده نشود. تأکید بنده روی این است. توجه بکنند گویندگان و کسانی که تریبون‌هایی در اختیار دارند، جایگاهی دارند و میتوانند حرف بزنند - چه در رسانه‌ها، چه در فضای مجازی - جوری حرف نزنند که دشمن سوءاستفاده کند و از قول آنها این مطلب را چند برابر بزرگ کند و مایه‌ی دلسری مردم در انتخابات بشوند. وقتی شما بگویید این انتخابات مهندسی شده است، خوب مردم دلسرد میشوند. وقتی شما بگویید که اینجا دموکراسی نیست، اینها انتخابات نیست، انتصابات است، خوب مردم



دل‌سرد میشوند؛ در حالی که این دروغ است، چنین چیزی نیست.

انتخابات در ایران جزو سالم‌ترین انتخابات در دنیا است. بعضی از کشورهای دنیا البته انتخابات خوبی دارند اما بهتر از انتخابات ما نیست، سالم‌تر از انتخابات ما نیست. در بعضی از کشورها هم که اصلاً تقلب رایج است. بعضی از کشورها هم هستند که قوانینشان، قوانینی است که در واقع در آنها دموکراسی به معنای واقعی و کامل وجود ندارد؛ از جمله خود آمریکا. خود آمریکا که به اصطلاح مرکز دموکراسی است - با قطع نظر از تبلیغاتی که میکنند که مسیر رأی مردم را با پول و با قدرت سرمایه عوض میکنند که حالا این به جای خود، آن را نمیخواهیم مطرح کنیم - قانونشان این جوری است که یک نفری بیشتر رأی می‌آورد، [اما] آن که کمتر رأی آورده میشود رئیس‌جمهور؛ قانونشان این است. (۱) رقیب همین رئیس‌جمهور فعلی‌ای که در انتخابات دو سه سال قبل از این سر کار آمد، ظاهراً چند میلیون رأی بیشتر از این داشت، اما طبق قوانین خودشان طوری است که این آدم رئیس‌جمهور میشود؛ خوب این دموکراسی است؟ این رأی اکثریت است؟ اینجا این جوری نیست؛ اینجا دقیق است؛ کسی که از پنجاه درصد آراء مردم - حالا آنجایی که پنجاه درصد ملاک است - یک عَشْری (۲) هم بیشتر باشد، او میشود رئیس؛ در طول این سالهای متمادی ما این جوری عمل کرده‌ایم. در انتخابات مجلس در طول این دوره‌های مختلف افراد گوناگون بارها به بنده نامه نوشتند که آقا تقلب شده و مثلاً اشکال داریم، خیلی خوب، ما هیئت معین کردیم، دنبال کردند، تحقیق کردند، با دقت رسیدگی کردند، دیدند نه، این کسی که گزارش داده اشتباه کرده؛ یک چیزی را اطلاع نداشته.

انتخابات در کشور ما انتخابات سالمی است؛ من تعجب میکنم از بعضی‌ها که خودشان به وسیله‌ی انتخابات به یک جایی رسیده‌اند، همینها انتخابات را زیر سؤال می‌برند؛ چطور آن وقتی که انتخابات به نفع شما است، صحیح و متقن است، اما آنجایی که به نفع شما نیست، انتخابات میشود خراب؟ وَ إِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ؛ (۳) قرآن میگوید اگر در قضاوت، حق طرف آنها شد، قبول میکنند قضاوت را، اگر طرف آنها نشد، قبول نمیکنند؛ بعد میفرماید: «أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»؟ (۴) در دل اینها مرض هست؟

خب پس ما از دشمن که گلیه‌ای نداریم، دشمن حُب دشمنی میکند، شأنش این است، اما از دوستان، از کسانی که در داخل کشور هستند - چه یک نویسنده‌ی روزنامه، چه [آن] کسی که با فضای مجازی ارتباط دارد، چه آن کسی که نماینده‌ی مجلس است، چه آن کسی که مسئول مهم دولتی است - [توقع داریم]؛ همه بایستی مراقبت کنند. این جور نباشد که ما به زبان به مردم بگوییم که در انتخابات شرکت کنید، منتها یک جوری حرف بزنیم که مردم را از ورود در انتخابات دل‌سرد کند؛ این درست نیست، این غلط است.

یکی از غلط‌ترین کارها در این زمینه، حمله‌ی به شورای نگهبان است؛ خوب، شورای نگهبان یک مجموعه‌ی مورد اعتماد است؛ در قانون اساسی شأنی برای شورای نگهبان معین شده است، مشخص شده است؛ شش نفر فقیه عادل، شش نفر حقوق‌دان برجسته که منتخب مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان هستند؛ چطور آسان متهم بکنند شورای نگهبان را که مثلاً از روی غرض فلان کس را رد کرده‌اند، یا فلان کس را قبول کرده‌اند؟ خوب این تهمت زدن است. تهمت گناه کبیره است؛ توبه لازم دارد؛ باید توبه کنند.

انتخابات مهم است؛ من در نماز جمعه‌ی چند هفته‌ی قبل (۵) عرض کردم به ملت ایران که علاج مشکل ما با



دشمنان قوی پنجه‌ی بی‌رحم بین‌المللی این است که باید قوی بشویم؛ یکی از مؤلفه‌های قوی شدن این است که مجلس قوی داشته باشیم. مجلس شورای اسلامی که محلّ قانون‌گذاری است بایستی قوی باشد؛ کی مجلس قوی خواهد شد؟ آن وقتی که مجلس شورای اسلامی با رأی بالایی تشکیل بشود؛ این مجلس آن وقت قوی خواهد بود، پشتوانه خواهد داشت.

گلایه‌های مردمی ربطی به انتخابات ندارد. مردم گلایه‌هایی دارند از مسائل معیشتی؛ یک مقداری اش مربوط به برخی از قوانین ما است، یک مقداری اش مربوط به برخی از مدیران اجرائی ما است که موجب گلایه‌ی مردم است؛ حق هم دارند و در اغلب موارد این گلایه‌ها به‌جا است اما این ربطی به انتخابات ندارد. مردم گلایه‌شان را از کس دیگری میکنند اما قدر مجلس را که مال نظام، مال کشور و مال عموم ملت ایران است میدانند و در تعیین مجلس ان‌شاءالله و به توفیق الهی حضور قوی‌ای خواهند داشت.

من عرض میکنم که هر کسی به ایران علاقه‌مند است [باید رأی بدهد]. قبلها هم ما این را عرض کرده‌ایم، حالا هم تکرار میکنیم؛ ممکن است یکی، از شخص این حقیر خوشش نیاید، خب نیاید عیبی ندارد، [اما] ایران را، کشورش را دوست دارد یا نه؟ [پس] باید در انتخابات شرکت کند. هر کسی که امنیت کشور را دوست دارد، هر کسی که حل شدن مشکلات کشور را دوست دارد، هر کسی که گردش نخبگانی صحیح را در کشور دوست دارد باید در انتخابات شرکت کند؛ همه باید شرکت کنند. البته بنده مطمئنم که افراد مؤمن و انقلابی و علاقه‌مند به سرنوشت انقلاب، با انگیزه‌ی بیشتری شرکت میکنند اما آن کسانی هم که انگیزه‌ی انقلابی ندارند، انگیزه‌ی دینی ندارند، خب کشورشان را که دوست دارند؛ اینها هم باید در انتخابات شرکت کنند. خب این راجع به اصل انتخاب.

اما نوع انتخاب؛ چه کسی را انتخاب بکنیم؟ خب ما آدم معرفی نمیکنیم. هرگز در هیچ انتخاباتی رسم بنده نیست که حتی اشاره کنم به کسی تا انتخاب بشود، اما این خصوصیات به نظر من در منتخب [باید] وجود داشته باشد: اولاً مؤمن باشد. کسانی را انتخاب کنید که دارای ایمان باشند. ایمان است که از کج‌روی و انحراف و پای غلط گذاشتن و پای کج گذاشتن جلوگیری میکند؛ ایمان، نمیگذارد که وسوسه‌ها در انسان اثر بکند. بعضی‌ها ابتدای کار، آدمهای خوبی هستند، منتها وقتی وارد عرصه‌هایی میشوند، وسوسه‌ها اینها را به این طرف و آن طرف میکشاند؛ اگر ایمان قوی باشد، از این انحرافها مصون میمانند. [پس]، مؤمن باشند.

بعد، انقلابی باشند؛ واقعاً به معنای واقعی کلمه، دل به انقلاب داده باشند و انقلاب را به معنای واقعی کلمه پذیرفته باشند؛ اینها را انتخاب کنید. بعد، شجاع باشند. آن نماینده‌ای که از حرف زدن علیه فلان قدرت خارجی هم میترسد، لایق این نیست که بیاید [برای] مردم ایران، با این عزّت، با این شجاعت نمایندگی کند. البته نمایندگان کنونی مجلس کار خوبی کردند؛ این آخر، بعد از شهادت شهید سلیمانی، علیه آمریکا حرکت خوبی را انجام دادند. (۶) بایستی باشجاعت [عمل کرد]؛ چون هیچ کاری با ترس و لرز و خوف و هراس پیش نخواهد رفت. باید شجاعانه، البته مدبرانه و عاقلانه عمل کرد.

دارای روحیه‌ی جهادی باشند؛ شب و روز نشناسند. کارآمد باشند؛ به معنی واقعی کلمه طرف‌دار عدالت باشند. کشور ما به عدالت احتیاج دارد، بشریت به عدالت احتیاج دارد؛ منتها عدالت در دنیا مهجور و غریب است. جمهوری اسلامی پرچم عدالت را بلند کرده؛ نگذاریم که این پرچم بخوابد. به معنای واقعی کلمه دنبال عدالت باشیم؛ هم





عدالت اقتصادی، هم عدالت حقوقی، هم عدالت سیاسی؛ در همه‌ی زمینه‌ها عدالت باید وجود داشته باشد.

خب اگر میتوانیم یک چنین افرادی را بشناسیم، که بهشان رأی میدهیم؛ اگر نشناختیم، از آدمهای بصیر و مورد اعتماد استفاده کنیم. کسی نگوید که «خیلی خب، شرایط نامزد انتخاباتی، اینها باید باشد، من که نمی‌شناسم، نمیدانم، پس بنابراین بهتر است که رأی ندهم»؛ نه، حتماً رأی بدهید، منتها به افراد بصیر، به افراد مورد اعتماد، به کسانی که انسان بتواند به اینها اطمینان بکند مراجعه کنید، از اینها سؤال کنید، از اینها بپرسید؛ اگر راهنمایی کردند، راهنمایی‌شان را قبول بکنید تا ان شاءالله همه‌ی مردم با نیت خالص و با اتکاء به خدای متعال وارد میدان بشوند.

اما مسئله‌ی فلسطین. خب شنیدید دیگر؛ همه‌ی دنیا شنیدند که زورگویان و سرگردنه بگیران آمریکایی اخیراً از یک طرحی رونمایی کردند؛ اسم آن را هم گذاشته‌اند «معامله‌ی قرن». خودشان را دل خوش میکنند به اینکه یک اسم بزرگی برایش بگذارند، شاید بگیرد، شاید بشود. به نظر بنده این کاری که اینها انجام دادند و دنبالش هستند اولاً احمقانه است، ثانیاً نشانه‌ی خباثت است، ثالثاً از همین شروع کار به ضرر خودشان است. (۷) (خب قبل از آنکه بنده توضیح بدهم که چرا احمقانه است، شما تکبیر فرستادید؛ معلوم میشود همه‌ی شما میدانید که چرا احمقانه است؛ اما در عین حال بنده تکرار میکنم و باز این را میگویم.) احمقانه است؛ چرا؟ چون این طرح قطعاً به نتیجه نمیرسد، این طرح قبل از مردن ترامپ، میمیرد؛ بنابراین [برای] یک کاری که قطعاً تحقق پیدا نخواهد کرد، آمدن و نشستن و خرج کردن و این و آن را دعوت کردن و در دنیا جنجال راه انداختن و رونمایی کردن یک عمل احمقانه‌ای است.

ثانیاً نشانه‌ی خباثت و دغل کاری آمریکایی‌ها است. حالا صهیونیست‌ها که به جای خود، آنکه معلوم است، اما آمریکایی‌ها با این کار نشان دادند چقدر خبیث و چقدر دغل کارند. چرا؟ برای خاطر اینکه آنها آمده‌اند با یک طرف دیگری که همان صهیونیست‌ها هستند، معامله کرده‌اند، موضوع معامله یک چیزی است که متعلق به آنها نیست؛ مال فلسطینی‌ها را با همدیگر معامله کرده‌اند و یکی داده، یکی گرفته! این خباثت نیست؟ این دغل کاری نیست؟ فلسطین، مال فلسطینی‌ها است؛ شما چه کاره هستید که بیایید راجع به فلسطین تصمیم بگیرید که بیت المقدس این جور باشد، فلان جا این جور باشد، مرکز حکومت فلسطین در فلان جا باشد؟ به شما چه؟ شما چه کسی هستید؟ فلسطین مال فلسطینی‌ها است، تصمیم‌گیری درباره‌ی فلسطین فقط به دست فلسطینی‌ها است، که من حالا عرض خواهم کرد. تنها راه برای حل مشکل فلسطین آن طرحی است که ما چند سال قبل پیشنهاد کردیم، که امروز هم عرض خواهم کرد. بنابراین اینکه دیگران بیایند، آمریکا بیاید درباره‌ی ملک دیگران و زمین دیگران و کشور و خانه‌ی دیگران تصمیم‌گیری بکند، نشان‌دهنده‌ی دغل کاری و خباثت و بدنهادی کسانی است که این کار را انجام میدهند.

بعد هم گفتیم از اول کار، این کار به ضرر خودشان است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه همه‌ی تلاش دستگاه استکبار این بود و این است که نام فلسطین و یاد فلسطین را به فراموشی بسپرنند، از خاطرها محو کنند، [اما] این کاری که اینها کردند، بعکس موجب شد که مسئله‌ی فلسطین زنده شد. الان همه‌ی دنیا نسبت به مظلومیت مردم فلسطین و اینکه حق با اینها است، دارند حرف میزنند و آمریکا را محکوم میکنند. حالا به چهار نفر سران خائن عرب نباید نگاه کرد که اینها رفتند و کف زدند؛ آنها ارزشی ندارند، لیاقتی ندارند، بین ملت خودشان هم آبرویی ندارند. بنابراین این کار به ضرر آنها تمام شد؛ همین حالا فلسطین زنده‌تر شد، مجموعه‌های فلسطینی در دنیا بیشتر مطرح شدند، نام



فلسطین بیشتر سر زبانها افتاد و مظلومیّتشان واضح شد؛ پس این طرح یک چنین وضعی است. خب، حالا آنها تلاشهایی خواهند کرد برای اینکه این طرح را پیش ببرند. آنها برای اینکه کار را پیش ببرند، به سلاح و پول تکیه میکنند؛ بعضی‌ها را با رشوه، بعضی‌ها را با اسلحه؛ او را تطمیع میکنند، این را تهدید میکنند. خطّ عملی‌شان این است.

علاج [مسئله‌ی فلسطین] چیست؟ علاج عبارت است از ایستادگی و مقاومت شجاعانه. ملت فلسطین و عناصر فلسطینی و سازمانهای فلسطینی بایستی با جهاد فداکارانه‌ی خودشان، عرصه را بر دشمن صهیونیست و بر آمریکا تنگ کنند؛ راهش فقط این است و همه‌ی دنیای اسلام هم باید به اینها کمک کنند؛ همه‌ی ملت‌های مسلمان باید از فلسطینی‌ها پشتیبانی کنند و حمایت کنند؛ این علاج است. البته عقیده‌ی من این است که سازمانهای مسلح فلسطینی خواهند ایستاد، مقاومت را ادامه خواهند داد؛ راهش مقاومت است.

این مقاومت خوشبختانه امروز در منطقه‌ی غرب آسیا مخصوص فلسطین نیست، در یک دایره‌ی وسیع‌تری از فلسطین این مقاومت وجود دارد و روزبه‌روز ان‌شاءالله این مقاومت بیشتر خواهد شد. و ما به عنوان نظام جمهوری اسلامی وظیفه‌ی خودمان را پشتیبانی از گروه‌های مبارز فلسطینی میدانیم و هر جور بتوانیم، هر مقدار بتوانیم، با همه‌ی وجود از آنها پشتیبانی خواهیم کرد؛ این خواست نظام جمهوری اسلامی و خواست ملت ایران است. ان‌شاءالله آنها تقویت خواهند شد و دشمنشان را به ضعف خواهند کشاند.

اما علاج اساسی و زیربنائی مسئله‌ی فلسطین، همان مطلبی است که ما چند سال قبل گفتیم و در مراکز مهمّ بین‌المللی هم این ثبت شده است؛ از همه‌ی مردم فلسطینی‌الاصل، نه آن که مال فلان کشور است و آمده در منطقه‌ی فلسطین ساکن شد، آن که اهل فلسطین است و از هر مذهبی – چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی؛ چون بعضی از فلسطینی‌ها مسلمانند، بعضی مسیحی‌اند، بعضی یهودی‌اند – نظرخواهی بشود و نظام مورد قبول آنها سر کار بیاید و آن نظام بر تمام سرزمین فلسطین [حکومت کند]، نه فقط فرض کنید که مربوط به آن محدوده‌ی به قول خودشان سرزمین‌های اشغالی؛ یک بخشی از فلسطین را میگویند سرزمین اشغالی؛ در همه‌ی فلسطین، یک حکومتی با رأی عمومی مردم باید سر کار بیاید که درباره‌ی مسائل فلسطین تصمیم‌گیری کند، درباره‌ی امثال نتانیاوو و دیگران هم خودشان تصمیم‌گیری کنند. اختیار دست آنها است. این تنها راهی است که برای صلح در فلسطین و حلّ مسئله‌ی فلسطین وجود دارد.

و ان‌شاءالله این [مطلب] پیش خواهد رفت و امیدواریم که شما جوانها آن روز را ببینید و ان‌شاءالله خواهید دید و ان‌شاءالله و به توفیق الهی در بیت‌المقدّس که این قدر برای اینها مسئله‌ی مهمّی است، نماز خواهید خواند. امیدواریم خداوند متعال سایه‌ی جهاد فی‌سبیل‌الله و مجاهدین فی‌سبیل‌الله را از سر ما و کشور ما و مردم ما کوتاه نکند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(۱) اشاره به انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا که علی‌رغم تعداد آرای مردمی کمتر، با آرای اکثرال



بر رقیب خود پیروز شد.

(۲) یکدهم

(۳) سوره‌ی نور، آیه‌ی ۴۹: «و اگر حق به جانب ایشان باشد، به حال اطاعت، به سوی او می‌آیند.»

(۴) سوره نور، بخشی از آیه‌ی ۵۰

(۵) خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران ( ۲۷/۱۰/۱۳۹۸ )

(۶) در تاریخ هفدهم دی‌ماه ۱۳۹۸، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرح سه‌فوریتی «اصلاح قانون اقدام متقابل در

برابر اعلام سپاه پاسداران به عنوان سازمان تروریستی توسط آمریکا» را با موافقت دولت و در راستای «انتقام

سخت» تصویب کردند.

(۷) تکبیر حضار